



مادر برایِ شامِ خوراکِ ماهیِ دُرُست کرده بود. پَس از شام ،
بِهمن خُدایِ مِهربان را شُکر کرد. او دست های خود را شُست
و کتابِ جَدیدش را به مادرش نِشان داد.
نامِ کتابِ او ((آهو و روباهِ ناقلا)) بود.

